



هیچ چیز در عالم بر اساس تصادف اتفاق نمی‌افتد/ جهان بر اساس شعور است

دینانی در برنامه معرفت گفت: ملحدین می‌گویند از یک انفجار بزرگ جهان حاصل شده همین کلمه تصادف را اگر نمی‌گفتند کار درست می‌شد. ما معتقدیم که هیچ چیزی بر اساس تصادف در این عالم اتفاق نمی‌افتد.

دینانی در برنامه معرفت گفت: ملحدین می‌گویند از یک انفجار بزرگ جهان حاصل شده همین کلمه تصادف را اگر نمی‌گفتند کار درست می‌شد. ما معتقدیم که هیچ چیزی بر اساس تصادف در این عالم اتفاق نمی‌افتد.

به گزارش خبرنگار مهر دکتر دینانی در برنامه جام معرفت گفت: فیض کاشانی می‌نویسد: انسان کامل یا نبی است یا ولی و هر یک از نبوت و ولایت دو اعتبار دارد. اعتبار اطلاق و رها بودن از هر قیدی و اعتبار مقید بودن. می‌توان این دو اعتبار را عام و خاص هم نامید. در عین حال، نبی از جنس بشر است {أنا بشرٌ مثلكم} به این اعتبار نبوت مطلقه همان نبوت حقیقی حاصل در ازل است که تا ابد باقی است و می‌تواند با تک تک افراد انسانی ارتباط برقرار کند. فرد نبی بر استعداد همه موجودات که ریشه در ذات و ماهیت آنها دارد مطلع است و از آنجا که مقام نبوت مطلقه مقام خبررسانی ذاتی و تعلیم حقیقی ازلی یا همون ربوبیت عظمی و سلطنت کبری است لذا نبی مطلق حق هر صاحب حقی که با زبان استعداد خود آن را طلب می‌نماید به وی عطا می‌کند. {وما أَرْسَلْنَا إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ}

دکتر دینانی افزود: همه کس از انسان کامل صحبت می‌کند و او را می‌فهمند همه متوجه می‌شوند که انسان کامل، کمال دارد و کامل است اما اگر نیک بنگری کسی معنای کمال را نمی‌داند. کمال، علی‌الظاهر چیزی است که نقص نداشته باشد. چیزی که ناقص است کامل نیست. آیا شما می‌توانید در کل عالم انگشت بر چیزی بگذارید که نقص نداشته باشد. خیر. چیزی که هیچ نقصی در آن نباشد یعنی کمال مطلقه وجود ندارد. حالا کمال یعنی چی؟ یک معنی عرفی دارد مثل اینکه بگوییم این کوزه پر از آب شد یعنی کامل شد. که نسبی است. اگر کمال نسبی باشد همه چیز کامل است. اما کمال مطلق ندارند. کمال نسبی را همه کس می‌فهمد که مثلاً نبات کاملتر از جماد و حیوان کاملتر از نبات و انسان کاملتر از حیوان است. حالا کمال مطلق کجاست؟ وی افزود: حالا اگر کمال مطلق نباشد همه چیز نسبی کامل است؟ اصلاً کمال نسبی بدون کمال مطلق معنی ندارد. معنای کمالی که فیض کاشانی اینجا مطرح کرده اند یکی هم لسان، اگر انسان در عالم نبود کمال چه معنایی داشت. یک ذره فکر کنیم. کمال از انسان است و از انسان، کامل می‌شود و انسان کامل وقتی کامل است که هیچ نقصی نداشته باشد. چه وقت نقص ندارد؟ وقتی که تمام حدود و قیود برطرف شوند. و الا دنیا را امروز خوب می‌شناسند. قرون قبل بشر نمی‌توانست جهان را به مانند امروز بشناسد.

قرنها بر بشر گذشت تصویری از این عالم داشت ولی جهانی که امروز از این عالم دارد متفاوت با قبل است. امروز تلسکوپ دارد که کهکشانها و ستاره ها را می‌بیند که فاصله اشان با زمین ۳۰ هزار سال نوری است. حالا هر ثانیه سال نوری برابر با ۳۰۰ هزار سال ما است. حالا این فاصله را می‌بیند و این جهانی که امروز میکروسکوپ ها تا مولکول و الکترون و ذرات زیر اتم می‌روند اینها را می‌بینند. جهان امروز با جهان دیروزی که می‌شناختیم بسیار تفاوت دارد. حالا از این آدمی که پشت تلسکوپ و میکروسکوپ نشسته است و این فاصله ها و ذرات را می‌بیند از او بپرسیم شما جهان را کامل دیدید جوابش منفی است.

دینانی ادامه داد: هنوز آنچه که جهان می‌بیند و با ابزارهای پیشرفته می‌شناسد و با محاسبات ریاضی دقیق به آن می‌رسد نسبت به آنچه ندیده و نمی‌تواند هنوز ببیند و نمی‌داند بسیار ناچیز است. اگر یک تلسکوپ اختراع شود که یک میلیون برابر تلسکوپ های کنونی ببیند چه اتفاقی می‌افتد. جهان هنوز ناشناخته است زیرا انسان هنوز ناشناخته است. پشه کی داند این باغ از کی است/ کو بهاران زاد و مرگش در دی است.

حداکثر امروز جهان را به صورت مکانیکی دارند تفسیر می‌کنند. جهان را آیا می‌شود به یک ماشین بزرگ تشبیه کرد یا به یک اندیشه بزرگ؟ جهان یک اندیشه است. هنوز فکر می‌کنند که جهان از یک موجود تک سلولی یا از یک الکترون یا از یک هسته و انفجار بزرگ به وقوع پیوسته است و در حال انبساط بوده و در اثر تصادف، مرتب منبسط شده فواصل ایجاد شد و این کهکشان به وجود آمده است. آن وقت می‌گویند در بین این کهکشانها که شگفت انگیز است اگر کسی پشت تلسکوپ بنشیند حیرت انگیز است. هر چه نگاه می‌کند کهکشان و سیاه چاله و سکوت است موجود زنده هم نیست. سکوت محض است.

همین سکوت جهان و تلاش شما حیرت انگیز است. هر چی می‌خواهیم با جهان حرف بزنیم جهان به ما سکوت می‌کند. این سکوت جهان ما را به حیرت در می‌آورد. فقط می‌گویند شعور در این کره به وجود آمده و آن هم در انسان ضعیف این شعور به وجود آمده. این همه کهکشان و حجم و دوری و فاصله همه اینها پیدا شدند که شعور به وجود بیاید. حالا اول اینها بوده بعد شعور پیدا شده یا اول شعور بوده و بعد اینها پیدا شدند؟ بله اول شعور بوده و بعد اینها به وجود آمدند. اختلاف ما و آنها هم در این یک کلمه است. آنها می‌خواهند شعور را محصول این جهان هستی لایتزال بدانند در حالیکه این جهان بر اساس شعور است. این اشکال و این اختلاف عظیم لایتناهی در همین مسئله است. آنها می‌گویند از یک انفجار بزرگ جهان حاصل شده همین کلمه تصادف را اگر نمی‌گفتند کار درست می‌شد. ما معتقدیم که هیچ چیزی بر اساس تصادف در این عالم اتفاق نمی‌افتد.

وی یادآورش: ما در این عالم تصادف و صدفه نداریم. بخت و اقبال، رطل و اسطرلاب است بگذاریدش کنار. اگر این تصادف را

پس بگیرند و بدانند که از اول عالم بر اساس شعور بوده دیگر صبر نمی کنند که میلیاردها سال نوری بگذرد آنوقت یک شعوری به وجود بیاید.